

ألفیه سیوطی
در مصطلح حدیث
«نظمُ الدُّرِّرِ فی عِلْمِ النَّثْرِ»

نظم

حافظ جلال الدین سیوطی

(متوفی ۹۱۱ هـ)

شروح

سید مسلم تفتدار

مدرسه امیریه

جزیره قشم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ٢٩ - وَوَلَدَ الْقَاسِمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ، وَقَالَ قَوْمٌ ذُو فِطْنٍ
 ٣٠ - لَا يَنْبَغِي التَّعْمِيمُ فِي الْإِسْنَادِ
 ٣١ - فَأَرْفَعُ الْإِسْنَادَ لِلصَّدِيقِ مَا
 ٣٢ - وَعُمَرُ فَابْنَ شِهَابٍ بَدَّهِ
 ٣٣ - وَأَهْلُ بَيْتِ الْمُصْطَفَى جَعَفَرُ عَنْ
 ٣٤ - وَلِأَبِي هُرَيْرَةَ الزُّهْرِيُّ عَنْ
 ٣٥ - عَنْ أُعْرَجٍ، وَقَيْلٍ: حَمَّادٌ بِمَا
 ٣٦ - لِمَكَّةَ سُفْيَانُ عَنْ عَمْرٍو، وَذَا
 ٣٧ - ابْنِ أَبِي حَكِيمٍ عَنْ عُبَيْدَةَ
 ٣٨ - وَمَا رَوَى مَعْمَرٌ عَنْ هَمَّامٍ عَنْ
 ٣٩ - لِلشَّامِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ حَسَّانَا
 ٤٠ - وَعَمِيرٌ هَذَا مِنْ تَرَاجِمِ تُعَدُّ

مسألة

- ٤١ - أَوَّلُ جَامِعِ الْحَدِيثِ وَالْأَثَرِ
 ٤٢ - وَأَوَّلُ الْجَامِعِ لِلْأَبْوَابِ
 ٤٣ - كَاتِبِ جُرَيْجٍ وَهَشِيمِ مَالِكٍ
 ابْنُ شِهَابٍ أَمْرًا لَهُ عَمْرٌ
 جَمَاعَةٌ فِي الْعَصْرِ ذُو الْفِتْرَةِ
 وَمَعْمَرٌ وَوَلَدُ الْمُبَارَكِ

۲۹ - وَقَالَ قَوْمٌ دُو فِظْنُ

..... و قومی تیزیبن و باهوش گفته‌اند...

۳۰ - لَا يَنْبَغِي التَّعْمِيمُ فِي الْإِسْنَادِ بَلْ خُصَّ بِالصَّحْبِ أَوْ الْبِلَادِ

...شایسته نیست که در [أصح] إسناد تعمیم کرد بلکه [أصح إسناد] به اصحاب یا مناطق اختصاص بده.

شرح:

مثلاً بگو: صحیح‌ترین سند به ابوبکر صدیق، فلانی از فلانی.. است. یا بگو: صحیح‌ترین إسناد مدنیبن، فلانی از فلانی.. است.

۳۱ - فَأَرْفَعُ الْإِسْنَادَ لِلصَّدِيقِ مَا إِبْنُ أَبِي خَالِدٍ عَنْ قَيْسٍ نَمَا

پس بالاترین إسناد برای ابوبکر صدیق^۱: آنچه ابن ابی خالد^۲ از قیس^۳ [به ابی بکر صدیق] نسبت دهد.

شرح:

أصح إسناد ابی بکر صدیق: اسماعیل بن ابی خالد از قیس بن ابی حازم از ابوبکر صدیق است.

* «خَالِدٍ» منصرف است اما ضرورتاً تنوین داده نمی‌شود.

۳۲ - وَعَمْرٍا قَابِنٌ شَهَابٍ بَدَّهٖ ۳ عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ

۱ . عبدالله بن عثمان بن عامر بن عمرو بن کعب بن سعد بن تیم تیمی، خلیفه اول.

۱۴۲ حدیث روایت دارد. وفات: ۱۳ هـ ق. در ۶۳ سالگی.

۲ . اسماعیل بن ابی خالد بجلي، أحمسی، ابوعبدالله کوفی، از أعلام، ۳۰۰ حدیث دارد. وفات: ۱۴۶ هـ ق.

۳ . قیس بن ابی حازم بجلي، أحمسی، ابوعبدالله کوفی، مخضرم، وفات قبل یا بعد از ۹۰ هـ ق، و عمرش از یکصد سال تجاوز کرد و حافظه‌اش تغییر خورد.

و [أصح إسناده] عمر بن خطاب: ابن شهاب مقابلش قرار بده از سالم از پدرش [عبدالله بن عمر] از پدربزرگش [عمر].

شرح:

صحیح‌ترین إسناده عمر: ابن شهاب از سالم بن عبدالله بن عمر از عبدالله بن عمر از عمر بن خطاب است. و این قول حاکم نیشابوری است.

۳۳- وَأَهْلِ بَيْتِ الْمُصْطَفَى جَعْفَرُ عَنْ آبَائِهِ، إِنَّ عَنْهُ رَأْوٍ مَا وَهَنْ

و [أصح أسانيد] اهل بیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، جعفر صادق^ه از پدرانش است [به شرطی که] اگر روایت کننده از جعفر صادق ضعیف نباشد.

شرح:

صحیح‌ترین إسناده اهل بیت: جعفر صادق بن محمد باقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی بن ابی طالب از پدرش از جدش از علی بن ابی طالب؛ اگر روایت کننده از جعفر صادق ثقة باشد.

ناظم رحمه الله «مَا وَهَنْ» را قید آورد یعنی راویانی که از جعفر صادق روایت می‌کنند ضعیف نباشند اگر چه این قید در بقیه اسناد نیز لازم می‌آید زیرا ضُعْفای زیادی از جعفر صادق روایت کرده‌اند.

سیوطی در تدریب الراوی می‌گوید: این روایت حاکم است و کسانی که از وی نقل نموده‌اند با او موافقت کرده‌اند. اما در آن نظر است زیرا ضمیر در

۱. «عمر» به علت علمیه و عدل، لا ینصرف است ضرورتاً تنوین و کسره داده شده و بر «صدیق» معطوف است.

۲. «ابن» مفعول به برای «بده» است.

۳. فعل امر از «بَدَّهَ يَبْدِئُهُ تَبْدِيئَهَا» است پس امر آن «بَدِّهْ» می‌شود.

۴. «جعفر» ضرورتاً تنوین نگرفته است.

۵. جعفر صادق، ابوعبدالله مدنی، فقیه بزرگ، وفات: ۱۴۸ هـ ق، در ۶۸ سالگی.

«جده» اگر به جعفر باشد پس جدش «علی زین العابدین» است و علی زین العابدین از علی بن ابی طالب نشنیده است. و اگر ضمیر در «جده» به محمد باقر باشد پس او از حسین بن علی نشنیده است.

۳۴ - وَلِإِبْنِ هُرَيْرَةَ الزُّهْرِيُّ عَنْ سَعِيدٍ أَوْ أَبُو الزَّنَادِ حَيْثُ عَنْ

و [أصح أسانيد] ابوهريه^۲ زهري از سعيد بن مسيب يا ابوالزناد^۳ به گونه‌ای که ظاهر شود...

۳۵ - عَنْ أَعْرَجٍ، وَقِيلَ: حَمَادٌ بِمَا أَيُّوبُ عَنْ مُحَمَّدٍ لَهُ نَعْيٌ

...از أعرج^۴ و گفته‌اند: [أصح أسانيد] ابوهريه، [أصح أسانيد] ابوهريه، حماد^۵ به آنچه ايوب^۶ از محمد [به ابوهريه] نسبت دهد.

شرح:

صحيح‌ترين إسناد ابوهريه: ابن شهاب زهري از سعيد بن مسيب از ابوهريه است.
يا ابوالزناد از أعرج از ابوهريه. و اين قول امام بخاري است.

۱ . «عَنْ» ضرورتاً مخفف شده است در اصل «عَنْ» با تشديد بوده است، يعنى: ظاهر شد.

۲ . ابوهريه در مورد نام وى به نحو سى قول اختلاف شده است اما قول أصح كه وى عبدالرحمن بن صخر است. وى ۵۳۷۴ حديث روايت کرده كه هيچ صحابى به اندازه‌ى ايشان روايت نكرده است. وفات: ۵۹ هـ ق، در ۷۸ سالگى.

۳ . عبدالله بن ذكوان مدنى، ابو عبدالرحمن مشهور به ابو الزناد، وفات: ۱۳۰ هـ ق.

۴ . عبدالرحمن بن هرمز، ابوداوود مدنى، قارى، وفات: ۱۱۷ هـ ق، در اسكندريه.

۵ . حماد بن زيد بن درهم أزدى، ابو اسماعيل بصرى، حافظ، وفات: ۱۷۹ هـ ق، در ۸۱ سالگى.

۶ . ايوب بن أبى تميمه، و اسمش كيسان، سختيانى، عنزى، ابوبكر بصرى فقيه، تولد: ۶۶ و گفته‌اند: ۶۸ هـ ق، وفات: ۱۳۱ هـ ق.

و بعضی گفته‌اند: حماد بن زید از ایوب سختیانی از محمد بن سیرین از ابوهریره. و این قول علی بن مدینی است.

* سپس ناظم رحمه الله در مورد أصح أسانید بلاد چنین بیان می‌کند:

۳۶ - لِمَكَّةِ سُفْيَانُ عَنْ عَمْرٍو، وَذَا عَنْ جَابِرٍ، وَلِلْمَدِينَةِ حُذَا

[أصح أسانید] مکه: سفیان بن عیینه^۳ از عمرو بن دینار^۴ از جابر بن عبدالله،^۵ و [أصح أسانید] مدینه را بگیر...

شرح:

صحیح‌ترین أسانید مکه: سفیان بن عیینه از عمرو بن دینار از جابر بن عبدالله است.

۳۷ - ابْنُ أَبِي حَكِيمٍ عَنْ عَيْبَةَ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

...إسماعیل بن ابی حکیم^۹ از عبیده حضرمی^{۱۰} از ابوهریره.

۱ . «مَكَّة» بعلت علمیه و تأیث لاینصرف است اما ضرورتا تنوین و کسره گرفته است.

۲ . الف در «حذا» بدل از نون توکید خفیفه است.

۳ . سفیان بن عیینه، ابومحمد هلالی، کوفی، وی هفتاد حج انجام داد. تولد: ۱۰۷ هـ ق، وفات: ۱۹۸ هـ ق.

۴ . عمر بن دینار ابو محمد مکی أئرم، پانصد حدیث روایت کرده، وفات: ۱۱۵ هـ ق.

۵ . جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام انصاری مدنی، صحابی مشهور، ۱۵۴۰ حدیث روایت کرده، وفات: ۷۸ هـ ق، در ۹۴ سالگی.

۶ . «ابن» مفعول به برای «حذا» است.

۷ . «حکیم» منصرف است اما برای ضرورت لاینصرف کرده شده است.

۸ . «عَبِيدَةَ» و «أَبِي هُرَيْرَةَ» هر دو لا ینصرف هستند و در حالت جری، فتحه می‌گیرد اما در اینجا جهت تنظیم حرکت روی، کسره داده شده است.

۹ . اسماعیل بن ابی حکیم، مولای عثمان مدنی، وفات: ۱۳۰ هـ ق.

۱۰ . عبیده بن سفیان بن حارث حضرمی.

شرح:

صحیح‌ترین اُسانید مدینه: اسماعیل بن ابی حکیم از عبیده حضرمی از ابی هریره است. و این قول احمد بن صالح مصری است.

۳۸- وَمَا رَوَى مَعْمَرٌ عَنْ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَصَحُّ لِلْيَمَنِ

و آنچه معمر^۳ از همام^۴ از ابوهریره روایت کند أصح [اُسانید] برای یمن است.

شرح:

صحیح‌ترین اِسناد یمن: معمر بن راشد از همام بن منبه از ابوهریره است.

۳۹- لِلشَّامِ الْأَوْزَاعِيُّ عَنْ حَسَانًا عَنِ الصَّحَابِ ۖ فَائِقٌ إِثْقَانًا

[أصح اُسانید] شام: اوزاعی^۸ از حسان^۹ از أصحاب است [این سند برای شامیین] از حیث اِثْقَان، [بر سایر اُسانید] فائِق است.

۱. «مَعْمَرٌ» منصرف است اما برای ضرورت لاینصرف کرده شده است.

۲. «هَمَّامٌ» منصرف است اما برای ضرورت لاینصرف کرده شده است.

۳. معمر بن راشد ازدی مولایشان، أبوعروه بصری، سپس بمانی، یکی از اَعْلَام، وفات: ۱۵۳ هـ ق.

۴. هَمَّامٌ بن مُنْبِه بن کامل اَبْنَاوِی، صنعانی، بمانی، وفات: ۱۳۱ هـ ق.

۵. همزه در «الْأَوْزَاعِيُّ» همزه‌ی قطع است جهت ضرورت وصل کرده شده است.

۶. الف آن الفِ «اطلاق» است.

۷. جمع صاحب، بمعنای صحابی است.

۸. ابو عمرو عبدالرحمن بن عمرو، وی به اَوْزَاع، تیره‌ای از یمن نسبت دارد و گفته‌اند:

«اَوْزَاع» روستایی در دمشق است. متولد بعلبک به سال ۸۸ و گفته‌اند به سال ۹۳ هـ

ق. وفات: ۱۵۷ هـ ق.

۹. حسان بن عطیه، محاربی مولایشان، ابوبکر دمشقی فقیه، وفات: بعد از ۱۳۰ هـ ق.

شرح:

صحیح‌ترین اسانید شامیین: امام أوزاعی از حسان بن عطیه و او از یکی از اصحاب روایت کند پس این سند بر سایر اسناد شامیین تفوق و برتری پیدا می‌کند.

۴۰ - وَغَيْرُهُذَا مِنْ تَرَاجِمٍ تُعَدُّ صَمْنَتَهَا شَرْحِي عَنْهَا لَا تُعَدُّ

و غیر از این‌ها از تراجم [نزد علما، أصح اُسانید] شمرده می‌شود که در ضمن شرح خودم قرار دادم که [چون این نظم گنجایش آن را ندارد] آن را نیاوردم.

شرح:

بعضی از اُسانید دیگر نیز وجود دارند که گفته شده أصح اُسانید هستند اما ناظم رحمه الله از جهت اختصار وارد این نظم نکرده اما می‌گوید که در کتاب تدریب الراوی شرح تقریب النواوی مفصل ذکر کرده‌ام.

مسألة

۴۱ - أَوَّلُ جَامِعِ الْحَدِيثِ وَالْأَثَرِ ابْنُ شِهَابٍ أَمْرًا لَهُ عُمَرُ

اولین جمع‌کننده‌ی حدیث و أثر، ابن شهاب زهری است که عمر بن عبدالعزیز^۱ او را امر نمود.

شرح:

مراد از این قول: تدوین رسمی است به‌گونه‌ای که مجموعه‌ی مرتبی از احادیث باشد و اگر نه آثاری وجود دارد که از زمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به بعد، نوشتن احادیث بوده است.

^۱ . عمر بن عبدالعزیز بن مروان حکم، یکی از خلفای راشدین، وفات: ۱۰۱ هـ ق، در سن چهل سالگی مگر شش ماه.

ابن حجر در فتح الباری نوشته است: «وَأَوَّلُ مَنْ دُونَ الْحَدِيثِ بْنِ شَهَابِ الزُّهْرِيِّ عَلَى رَأْسِ الْمِائَةِ بِأَمْرِ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ ثُمَّ كَثُرَ التَّدْوِينُ ثُمَّ التَّصْنِيفُ وَحَصَلَ بِذَلِكَ خَيْرٌ كَثِيرٌ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ».

و ابو نعیم در حلیه الأولیاء از امام مالک نقل کرده: «أَوَّلُ مَنْ دَوَّنَ الْعِلْمَ ابْنُ شَهَابٍ».

در تهذیب الکیمال آمده: احادیثی که ابن شهاب زهری آن را جمع‌آوری کرده به دو هزار حدیث می‌رسد.

اما امام بخاری در باب «كَيْفَ يُقْبَضُ الْعِلْمُ» آورده: «وَكَتَبَ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ إِلَى أَبِي بَكْرٍ بْنِ حَزْمٍ: انظُرْ مَا كَانَ مِنْ حَدِيثِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَكْتُبْهُ، فَإِنِّي خِفْتُ دُرُوسَ الْعِلْمِ وَذَهَابَ الْعُلَمَاءِ، وَلَا تَقْبَلْ إِلَّا حَدِيثَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ».

بین این دو اثر چنین جمع کرده می‌شود که ابوبکر بن حزم چون والی عمر بن عبدالعزیز در مدینه بوده، پس عمر بن عبدالعزیز به او نامه نوشته است ولی انجام این کار و جمع‌آوری احادیث توسط ابن شهاب زهری انجام گرفته است.

سبب اختلاف در حکم نوشتن، احادیث متعارض و مخالف هم در اباحه و نهی است، از جمله:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَكْتُبُوا عَنِّي، وَ مَنْ كَتَبَ عَنِّي غَيْرَ الْقُرْآنِ فَلَيْمَحُهُ»^۱.

^۱ . رواه مسلم، كتاب الزهد والرفاق، باب التثبت في الحديث: ۴ / ۲۲۹۸، حدیث ۷۲ بلفظه.

«از من چیزی ننویسد و کسی که جز قرآن از من چیزی نوشت آن را پاک کند».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اَكْتُبُوا لِأبي سَاهٍ»^۱.

«برای ابو ساه بنویسد».

قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: «مَا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَدٌ أَكْثَرَ حَدِيثًا عَنْهُ مِنِّي، إِلَّا مَا كَانَ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، فَإِنَّهُ كَانَ يَكْتُبُ وَلَا أَكْتُبُ»^۲.

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: «کسی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه سلم نیست که بیش تر از من حدیث داشته باشد مگر آنچه نزد عبدالله بن عمرو است زیرا او می نوشت و من نمی نوشتم».

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: كُنْتُ أَكْتُبُ كُلَّ شَيْءٍ أَسْمَعُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُرِيدُ حِفْظَهُ، فَتَهْتِنِي قُرَيْشٌ وَقَالُوا: أَتَكْتُبُ كُلَّ شَيْءٍ تَسْمَعُهُ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَشَرٌ يَتَكَلَّمُ فِي الْعُضْبِ، وَالرِّضَا، فَأَمْسَكْتُ عَنِ الْكِتَابِ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَوْمَأَ بِأَصْبُعِهِ إِلَيَّ فِيهِ، فَقَالَ: «اَكْتُبْ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا يَخْرُجُ مِنْهُ إِلَّا حَقٌّ»^۳.

عبدالله بن عمرو بن العاص می گوید: هر چیزی که از رسول الله صلی الله علیه و سلم می شنیدم و می خواستم آن را حفظ کنم، می نوشتم. قریش مرا نهی کردند و گفتند: که هر چیزی از رسول الله صلی الله علیه و سلم را

۱ . بخاری ۲۴۳۴ .

۲ . بخاری ۱۱۳ .

۳ . صحیح، ابو داود ۳۶۴۶ .

می‌نویسی در حالی که ایشان انسانی است که به هنگام خشم و غضب سخن می‌گوید. من نیز از نوشتن دست‌نگه‌دارم و آن را به رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتم. ایشان با انگشت خویش به دهان خویش اشاره کردند و فرمودند: بنویس، قسم به خداوندی که جانم در دست او است جز حق چیز از آن صادر نمی‌شود.

جمع بین احادیث اباحه و احادیث نهی:

علما بین احادیث نهی و بین احادیث اباحه بر وجوهی جمع کرده‌اند، از

جمله:

أ - برخی گفته‌اند: اجازه به نوشتن برای کسی است که از فراموش کردن حدیث می‌ترسد و نهی برای کسی است که از فراموش کردن در امان است و اگر بنویسد ترس این می‌رود که فقط به نوشته‌هایش اکتفا کند و محفوظات خویش را رها سازد و اهمال شود.

ب - برخی گفته‌اند: نهی هنگامی آمده که از آمیختگی حدیث با قرآن ترسیده می‌شد سپس اجازه نوشتن هنگامی آمد که از آن ترس ایمن شدند.

٤٢ - وَأَوَّلُ الْجَامِعِ لِلْأَبْوَابِ جَمَاعَةٌ فِي الْعَصْرِ ذُو أَقْتِرَابٍ

و اولین جمع‌کنندگان ابواب، جماعتی از علما در یک عصر نزدیک به هم

بودند.

شرح:

مراد از ابواب: یعنی ابواب متنوع از عبادات و معاملات و مغازی و غیر از موارد مذکور است.

اولین کسی که بدین شیوه، احادیث را ابواب‌بندی نمود معلوم نیست زیرا چندین عالم بودند که این کار را انجام دادند و آثارشان به ما رسیده اما این علما در یک زمان می‌زیسته‌اند.

٤٣ - كَاتِبٌ جُرَيْجٌ وَهَشِيمٌ مَالِكٌ وَمَعْمَرٌ وَوَلَدُ الْمُبَارَكِ

مانند: ابن جریج^۱ و هشیم بن بشیر^۲ و مالک بن انس^۳ و معمر بن راشد^۴ و [عبدالله] فرزند مبارک.^۵

شرح:

اشخاص نام برده کسانی بودند که آثار آنان به ما رسیده و با توجه به تاریخ وفات ایشان دانسته می‌شود که در یک عصر می‌زیسته‌اند لذا تاریخ تقدم اثر ایشان مجهول مانده است.

می‌توان به حسب شهرها چنین دسته‌بندی کرد:

اولین کسی که حدیث را در مدینه نوشت: مالک بن انس (ت ۱۷۹هـ).

اولین کسی که حدیث را در خراسان نوشت: عبدالله بن مبارک (ت ۱۸۱هـ).

اولین کسی که حدیث را در مکه نوشت: ابن جریج (ت ۱۵۰هـ).

اولین کسی که حدیث را در بصره نوشت: سعید بن ابی عروبہ (ت ۱۵۶هـ).

اولین کسی که حدیث را در شام نوشت: امام أوزاعی (ت ۱۵۶هـ).

اولین کسی که حدیث را در یمن نوشت: معمر بن راشد (ت ۱۶۱هـ).

^۱ . عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج، مولای أمویان، از اعلام تابع تابعین، وفات ۱۵۰ هـ ق در مکه.

^۲ . هشیم بن بشیر واسطی عراقی، از تابع تابعین، بر جلالت و توثیق و حفظ وی اتفاق شده، وفات: ۱۸۳ هـ ق.

^۳ . مالک بن انس، مؤسس مذهب مالکی، ترجمه‌اش گذشت.

^۴ . ترجمه‌اش گذشت.

^۵ . عبدالله بن مبارک بن واضح، مروزی، مولای حنظلیان، بر امامت و جلالت وی اجماع شده. وی در حال بازگشت از جهاد، در ماه مبارک رمضان به سال ۱۸۱ هـ ق در سن ۶۳ سالگی وفات نمود.

اولین کسی که حدیث را در واسط نوشت: هشیم بن بشیر یا ابو عوانه
وَصَّاحُ بِنِ خَالِدِ يَشْكُرِي (ت ۱۷۵هـ).